



الزامات دیپلماسی اقتصادی فعال در راستای بهبود عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



لله الحمد لله الرحمن الرحيم

شماره مسلسل: ۱۸۹۸۸
کد موضوعی: ۲۶۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۳/۲۱

عنوان گزارش:
الزامات دیپلماسی اقتصادی فعال
در راستای بهبود عملکرد سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر:
مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین کننده:
فاطمه سلیمانی پورلک

ناظر علمی:
روح‌الله طالبی آرانی

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی راد

گرافیک و صفحه‌آرایی:
نرجس امیراحمدی

- واژه‌های کلیدی:
۱. دیپلماسی اقتصادی،
۲. سیاست خارجی،
۳. جمهوری اسلامی ایران



دفتر مطالعات سیاسی

فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
پیش درآمدی مفهومی.....	۸
ارزیابی دیپلماسی اقتصادی در ایران.....	۱۰
الزامات دیپلماسی اقتصادی انطباقی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۱۲
نتیجه گیری.....	۲۲
منابع و مأخذ.....	۲۳

فهرست شکل ها و جدول

شکل ۱: رابطه «تطابقی» سیاست و اقتصاد در دیپلماسی اقتصادی.....	۹
شکل ۲: چالش های دیپلماسی اقتصادی اقتضائی در ایران.....	۱۱
جدول ۱: الزامات کلیدی معاصر برای دیپلمات های اقتصادی و تجاری.....	۲۱



الزامات دیپلماسی اقتصادی فعال در راستای بهبود عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

چکیده



دیپلماسی اقتصادی و عملکرد سیاست خارجی رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به طوری که فعال شدن وجه اقتصادی دیپلماسی از یک سو معلول نوع عملکرد سیاست خارجی است و از سوی دیگر، نقش مهمی در بهبود عملکرد سیاست خارجی دارد. ترمیم این رابطه در شرایط موجود جمهوری اسلامی ایران که شاخص‌های اقتصاد ملی روند چندان مطلوبی ندارند، ضرورتی آشکار و انکارناپذیر به‌شمار می‌آید. اصول اولیه در این زمینه بر الگوی رابطه انطباقی میان وجوه سیاسی و اقتصادی سیاست خارجی دلالت دارند، حال آنکه این رابطه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره به صورت اقتضائی بوده است. در این معنا، اقتصاد جایگاه چندانی در اولویت بندی اهداف سیاست خارجی دولتها نداشته است چرا که به تناسب شرایط و جهت رفع مقطعی و تاکتیکی مسائل و چالش‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، در شرایط موجود، ضروری است که سیاست خارجی کشور از دیپلماسی اقتصادی اقتضائی به سوی دیپلماسی اقتصادی انطباقی حرکت کند؛ که البته، این روند به نوبه خود در گرو تحقق الزاماتی در حوزه‌های برنامه‌های (برنامه‌ریزی استراتژیک)، سیاستی (معطوف به الحاق به زنجیره‌های ارزش جهانی نوین و شبکه‌های به هم پیوسته منطقه‌ای)، ساختاری (وزارت امور خارجه و نهادها و دستگاه‌های فعال در حوزه اقتصاد)، کارگزاری (وجود نخبگان اقتصاداندیش و دیپلمات‌های اقتصادی) و پارلمانی (نقش آفرینی تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی) است. در این راستا، هم‌نشینی اهداف اقتصادی و سیاسی در سیاست خارجی کشور، و تمرکز یابی دیپلماسی اقتصادی در قوه مجریه می‌تواند سهم چشمگیری در بهبود عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه ایفا نماید.



دیپلماسی اقتصادی بر ارکان متعامل سیاسی و اقتصادی استوار است و بر اساس نوع رابطه میان سیاست و اقتصاد به انواع انطباقی و اقتضائی تقسیم می‌شود. دیپلماسی اقتصادی انطباقی به‌عنوان مدل آرمانی، «اقتصادی‌تر» است و ملاحظات سیاسی و اقتصادی را هم‌نشین می‌سازد؛ حال آنکه دیپلماسی اقتصادی اقتضائی اغلب «سیاسی‌تر» است و صرفاً در شرایط اضطرار، اقتصاد را در دستور کار موقتی و تاکتیکی قرار می‌دهد. بر این اساس، **دیپلماسی اقتصادی فعال از نوع انطباقی است** که ارتقای کارکردی سیاست خارجی کشورها را ممکن می‌سازد.

عملکرد سیاست خارجی دولتها در ایران نشان می‌دهد که رابطه میان اقتصاد و سیاست از الگوی «اقتضائی» تبعیت می‌کند. اهمیت‌یابی اهداف و اقدامات اقتصادی در سیاست خارجی دولتها جنبه مقطعی و تاکتیکی دارند و با از بین رفتن یا کاهش شرایط اضطرار به حاشیه رانده می‌شوند.

برای بهبود عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **گذر از دیپلماسی اقتصادی «اقتضائی» به «انطباقی»** در گرو تحقق برخی الزامات در سطوح مختلف است که عبارتند از:

الف) الزامات برنامه‌ای: دیپلماسی اقتصادی نیازمند برنامه مدون و منسجمی است که مبتنی بر محیط‌سنجی و پایش دگرگون‌شوندگی محیطی و پیگیری مستمر روند توسعه اقتصادی باشد.

ب) الزامات سیاستگذاری (در داخل): ارتقای چانه‌زنی دولت در عرصه بین‌المللی؛ ارتقای جایگاه دیپلماسی اقتصادی در قوه مجریه و روابط خارجی کشور باید در سطح داخلی دنبال شود.

ج) الزامات سیاستگذاری (در خارج): جایگاه‌یابی ایران در نظام اقتصاد جهانی به‌منظور تعیین جایگاه دیپلماسی اقتصادی ایران در زنجیره ارزش جهانی (زنجیره ارزش نوظهور آسیایی)؛ و پیوستن به شبکه‌های به‌هم‌پیوسته منطقه‌ای و متنوع‌سازی نقشه تجاری کشور باید مبنای سیاستگذاری خارجی و بین‌المللی تصمیم‌گیران قرار گیرد.

د) الزامات ساختاری: حرفه‌ای‌سازی و قاعده‌مندسازی بوروکراسی دیپلماسی اقتصادی به موازات انسجام‌بخشی به آن، تشکیلات ساختاری پیش‌برنده دیپلماسی اقتصادی را تقویت می‌کند.

و) الزامات کارگزاری: در این زمینه، می‌توان به تدابیری از قبیل ایجاد هم‌افزایی میان شرح وظایف دیپلمات‌های سیاسی و مسئولیت‌های اقتصادی؛ تربیت دیپلمات‌ها و سفرای اقتصادی در زمینه‌های علمی و کاربردی؛ کارآمدسازی بخش اقتصادی سفارتخانه‌های ایران در دیگر کشورها؛ به‌کارگیری رایزنان اقتصادی کاردان و آشنا به آخرین تحولات و تعاملات بین‌المللی؛ جلب و جذب نخبگان اقتصادی و بهره‌گیری از دانش و تجربه اقتصادی آنها؛ و ارتقای توانمندی‌های رایزنان اقتصادی در جهت توسعه صادرات و رشد تولید اشاره کرد.

ه) الزامات پارلمانی: در این چارچوب، تصویب یک طرح قانونی با عنوان «ملزم‌سازی دولت به کاربست دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی» و البته، رصد مداوم اجرای بهینه آن؛ به موازات نظارت مستمر مجلس شورای اسلامی بر اجرای وظایف و مأموریت‌های اقتصادی وزارت امور خارجه پیشنهاد می‌شود.



پیش‌درآمد مفهومی

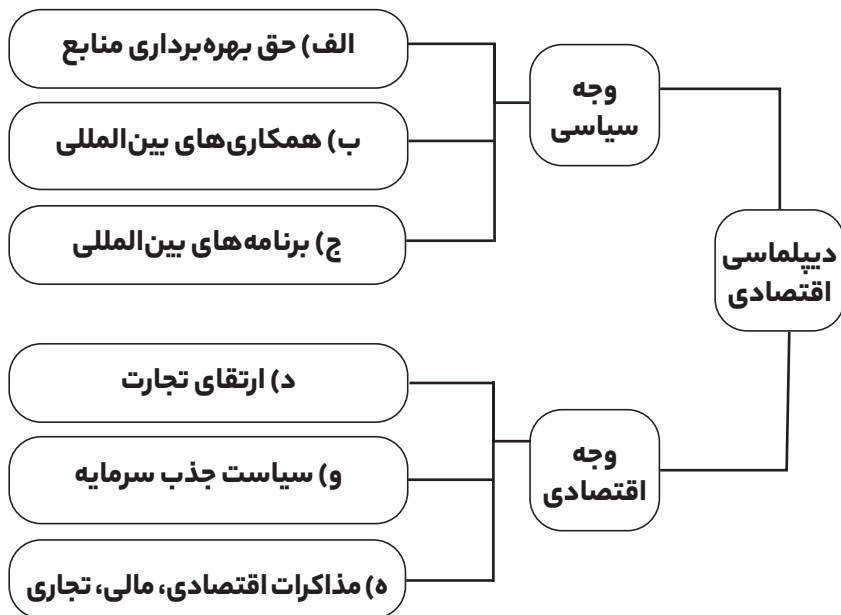
دیپلماسی اقتصادی، به معنای «رابطه متحول ثروت و قدرت در روابط بین‌الملل است که بر مدیریت روابط اقتصادی به‌طور توأمان توسط دولت و بازیگران غیردولتی دلالت دارد»، به طوری که کارویژه آن دستیابی به اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک از طریق ابزارهای اقتصادی یا غیراقتصادی است. این معنا به نقش آفرینی سیاست خارجی در استفاده از ظرفیت‌های خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی) برای تأمین اهداف و منافع ملی و به‌طور مشخص تقویت اقتصاد ملی اشاره دارد. بهره‌مندی از منابع اقتصادی خارجی به فعال‌سازی توانمندی‌های اقتصادی بالقوه کشورها منجر می‌شود و هم‌افزایی ظرفیت‌های داخلی و خارجی به قدرت‌سازی اقتصادی ملی می‌انجامد.

هرچند اقتصاد جایگاه محوری در دیپلماسی اقتصادی دارد، اما کلیت سیاست خارجی کشورها متأثر از عوامل و نیروهای سیاسی نیز می‌باشد. از این رو، ملاحظات سیاسی و اقتصادی و رابطه میان آنها از مسائل مهم سیاست خارجی محسوب می‌شود. در این زمینه سه الگوی رابطه را می‌توان در نظر گرفت: تضاد؛ تطابق و اقتضاء.

در رابطه مبتنی بر **تضاد**، ملاحظات سیاسی و اقتصادی در سیاست خارجی از یکدیگر می‌گریزند و هر یک، بنا به ماهیت خود، دیگری را طرد و نفی می‌کند. در هم‌گرایی این دو مؤلفه، غلبه از آن ملاحظات سیاسی به بهای نادیده‌انگاشتن ملاحظات اقتصادی است و در نتیجه، دیپلماسی اقتصادی همواره «سیاسی‌تر» می‌گردد.

در رابطه مبتنی بر **انطباق و سازگاری**، بستر سیاسی لازم برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی فراهم می‌گردد. اقدامات سیاسی متضمن حق بهره‌برداری یا تضمین دسترسی منابع، گسترش همکاری‌های فراملی، برنامه‌های بین‌المللی شامل تصویرسازی ملی مناسب در سطح بین‌المللی و استقلال سیاست خارجی از هرگونه محدودیت خارجی است. در این شرایط، اتخاذ اقدامات اقتصادی شامل افزایش تجارت خارجی (صادرات و واردات)، سیاست‌های سرمایه‌گذاری (جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انجام سرمایه‌گذاری در سایر کشورها)، شرکت در سازمان‌های اقتصادی فراملی، انجام مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری (گسترش موافقتنامه‌های تجاری و حذف یا کاهش موانع تعرفه‌ای و به‌ویژه تسهیل مبادلات مالی)، تسهیل فضای کسب و کار، دستیابی به تکنولوژی و علم و دسترسی به بازارهای جهانی ممکن می‌گردد. مجموعه این اقدامات که در شکل ۱ به نمایش درآمده، به تحقق اولویت‌ها و اهداف اقتصاد ملی کمک می‌رساند.

شکل ۱: رابطه «تطابقی» سیاست و اقتصاد در دیپلماسی اقتصادی



منبع: یافته‌های پژوهش

■ نوع دیگر رابطه میان ملاحظات سیاسی و اقتصادی در دیپلماسی اقتصادی، «اقتضائی» است که بر ماهیت و کارکرد «دوگانه» دیپلماسی اقتصادی دلالت دارد. در این چارچوب، اهداف دیپلماسی اقتصادی کشورها روی محوری بین دو طیف «قدرت-امنیت» و «تجارت-رفاه» نگریسته می‌شود. دیپلماسی اقتصادی دارای دو ویژگی «گاهی» (اغلب) اقتصادی‌تر و گاهی سیاسی‌تر است؛ به این معنا که زمانی موضوعات اقتصادی و زمانی دیگر موضوعات سیاسی در اولویت نخست قرار می‌گیرند. با این اوصاف، دیپلماسی اقتصادی اصولاً رابطه «تطابقی» یا «اقتضائی» میان سیاست و اقتصاد در کلیت سیاست خارجی را در خود دارد. در این معنا، دیپلماسی اقتصادی تطابقی مستلزم نخبگان سیاسی اقتصاداندیش و مصمم به پیشبرد اهداف کلان اقتصادی و همچنین نیازمند ساختارهای بوروکراتیک تخصصی، هماهنگ و منسجم است. علاوه بر این، شاخص‌های اقتصاد سیاسی سیاست خارجی در «انطباق» با دیپلماسی اقتصادی قرار می‌گیرند. در این میان، مهم‌ترین شاخص‌هایی که بیان‌گر «تطابق وجوه سیاسی و اقتصادی» سیاست خارجی و



- کار بست دیپلماسی اقتصادی می‌باشند، عبارتند از:
- مشخص بودن جایگاه ایده‌ها و اولویت‌های اقتصادی نزد نخبگان سیاسی؛
 - مداخله اقتصادی هدفمند دولت و تعامل ساختارمند آن با بخش خصوصی؛
 - استقلال سیاست خارجی از موضوعات و سیاست‌های منحرف‌کننده قدرت‌ها و نهادهای بین‌المللی؛
 - بهبود تصویر ملی کشور؛
 - همکاری‌های بین‌المللی؛
 - پیشبرد صنعتی‌سازی و تولیدگرایی صنعتی؛ و
 - گسترش مراودات تجاری، مالی و بانکی.

افزون بر این، آنچه نقش تعیین‌کننده در انطباقی یا اقتضائی بودن دیپلماسی اقتصادی دارد، فشارهای داخلی و خارجی و رابطه دولت‌ها با بازیگران غیردولتی از جمله در حوزه تجارت خارجی است. تجربه نشان داده است که هم‌افزایی فشارهای سیاسی، اقتصادی داخلی و خارجی، به طور اجتناب‌ناپذیر نخبگان سیاسی کشورهای هدف را به‌سوی رویکرد اقتضائی به ملاحظات اقتصادی در سیاست خارجی سوق می‌دهد. در این شرایط، نوع رابطه غیرساختارمند دولت‌ها با بخش خصوصی ملی و بازیگران غیردولتی بین‌المللی نیز به اقتضائی شدن دیپلماسی اقتصادی در این دسته از کشورها دامن می‌زند.

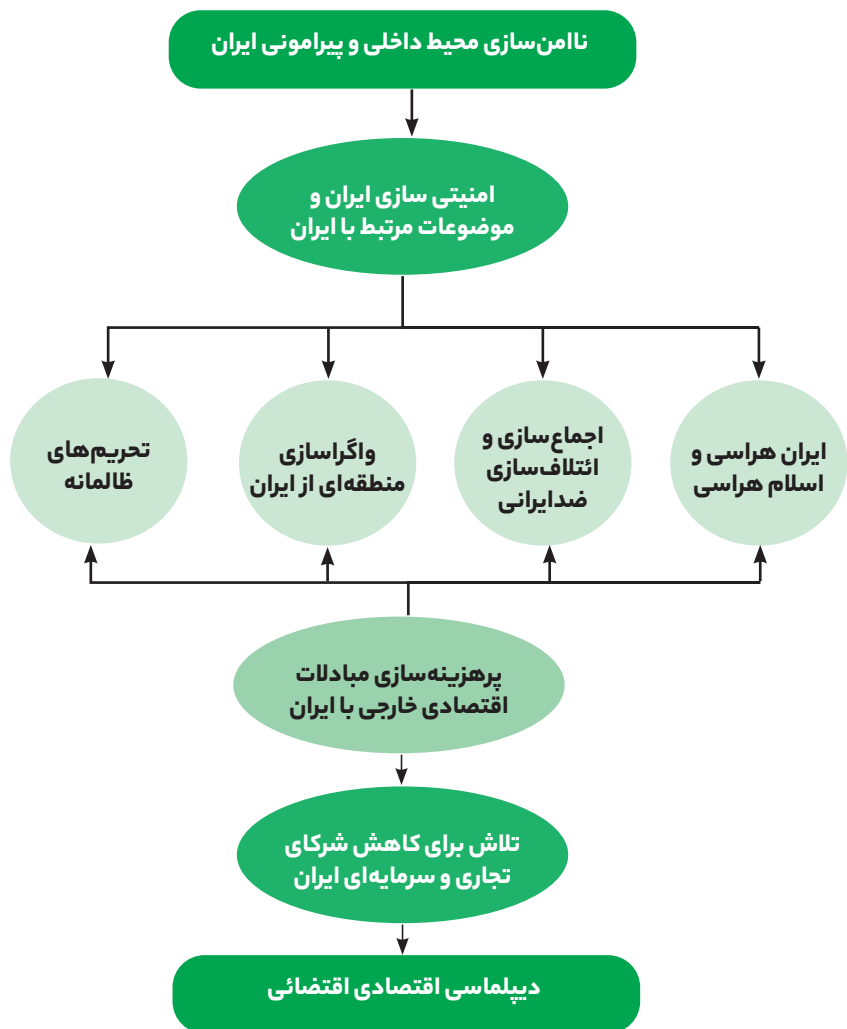
ارزیابی دیپلماسی اقتصادی در ایران



براساس قانون اساسی، اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر ضرورت‌های ناشی از دو دسته اهداف حیاتی سیاسی و اقتصادی-توسعه‌ای قرار دارد. مروری اجمالی بر سایر اسناد راهبردی کشور همانند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و حتی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور نیز دلالت بر طیف متنوعی از اهداف ملی دارند. محتوای این اسناد نشان می‌دهد که اگرچه اهداف اقتصادی مورد توجه بوده‌اند، اما در عمل رابطه میان اقتصاد و سیاست در سیاست خارجی دولتها در ایران از الگوی «اقتضائی» تبعیت می‌کند.

فشارها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی نتیجه‌رویه امنیتی‌سازی ایران از سوی کشورهای غربی به رهبری امریکا است که وجود نظامی مستقل در منطقه و جهان را برنمی‌تابند؛ بدین سان، سیاست خارجی ایران لاجرم درگیر پروژه ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی دشمنان شده و ناگزیر از تمرکز بر خنثی‌سازی توطئه آنها در این حوزه شده است. در چنین شرایطی دیپلماسی اقتصادی اقتضائی نقش پررنگ‌تری در جهت‌گیری اقتصادی فرامرزی کشور داشته است. شکل زیر تصویر این روند را نشان می‌دهد:

شکل ۲: چالش‌های دیپلماسی اقتصادی اقتضائی در ایران





آن گونه که از شکل فوق برمی آید، برآیند رابطه اقتضائی نیروهای سیاسی و اقتصادی (داخلی و خارجی) بازدارندگی دیپلماسی اقتصادی است. بازدارندگی‌ای که با ایجاد امواج ایران‌هراسی، اجماع‌سازی و ائتلاف‌سازی ضدایرانی، تلاش‌های واگرایانه منطقه‌ای برای منزوی‌سازی ایران و تحریم‌های ظالمانه به دنبال پرهزینه‌سازی مبادلات اقتصادی خارجی با ایران است. اولین و فوری‌ترین هدف این اقدامات خصمانه تلاش برای کاهش شمارش‌های تجاری و سرمایه‌های کشور است تا امنیت اقتصادی به چالش کشیده شود.

|| الزامات دیپلماسی اقتصادی انطباقی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ||

با توجه به آنچه در ارزیابی دیپلماسی اقتصادی کشور اشاره شد، عبور از رابطه اقتضائی سیاست و اقتصاد در دیپلماسی اقتصادی به رابطه انطباقی و تبدیل دیپلماسی اقتصادی اقتضائی به انطباقی مستلزم الزاماتی در سطوح مختلف است. این الزامات را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) الزامات برنامه‌ای

فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی بیش از هر چیزی نیازمند یک برنامه مدون و منسجم است. برنامه‌ای که:
اولاً، مبتنی بر محیط‌سنجی باشد؛

محیط‌سنجی داخلی و خارجی بستر عملیاتی‌سازی دیپلماسی اقتصادی است. کندو کاو محیطی ایران نشان می‌دهد نوعی ناموازنه قدرت اقتصادی با سایر مؤلفه‌های قدرت ملی وجود دارد، بنابراین، بایسته آن است که قدرت اقتصادی نیز خود را همچون قدرت نظامی و ژئوپلیتیکی به یک رکن معتبر توان جامع ملی کشور تبدیل کند تا بدین ترتیب نفوذ اقتصادی فرامرزی ایران نیز همچون نفوذ سیاسی و ژئوپلیتیک آن تجلی یابد. افزون بر این، نظام بین‌المللی و منطقه‌ای کشورمان به‌عنوان محیط خارجی نیز در حال دگرگون شدن است و همین دگرگون‌شوندگی به نوبه خود بر سیاست خارجی تأثیر می‌نهد. دگرگون‌شوندگی محیطی، موقعیت ایران را از چند جهت تحت تأثیر قرار می‌دهد:

۱ تغییر کانون تمرکز سیاست بین‌الملل به سوی قدرت‌های بزرگ و نقش پیشران اختلافات قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل می‌تواند فشارهای محیطی بر ایران را کاهش دهد و در نتیجه، **ایران برخلاف گذشته احتمالاً موضوع اجماع قدرت‌های بزرگ نخواهد بود.**

۲ در پی آمد اختلاف فزاینده میان قدرت‌های بزرگ، مناطقی همچون شرق اروپا و شرق آسیا نیز در کانون سیاست بین‌الملل قرار می‌گیرند. تغییر جایگاه غرب آسیا بر موقعیت بین‌المللی ایران به‌عنوان

قدرت مهم این منطقه تأثیراتی برجای می‌گذارد و به‌طور بالقوه می‌تواند فضا را برای نقش آفرینی ایران افزایش دهد.

۳ با تشدید تنش‌ها میان قدرت‌های بزرگ و شکل‌گیری جبهه چینی در برابر نظام سلطه آمریکایی، **توان ایالات متحده برای مشروعیت‌زدایی بین‌المللی از ایران رو به کاهش است.** چین و روسیه در کنار برخی کنشگران دیگر کوشش‌های ایالات متحده برای مشروعیت‌زدایی بین‌المللی از ایران موافقت نخواهند کرد.

۴ موقعیت ایران همچون سایر بازیگران منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل از سیالیت بیشتری برخوردار خواهد بود و در نتیجه، عملیاتی‌سازی سازوکارهای دیپلماسی اقتصادی با محدودیت‌های نوینی مواجه خواهد بود.

ثانیا بر نامه فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی باید مبتنی بر اولویت‌بخشی به توسعه اقتصادی باشد.

تحقق این امر مستلزم تجهیز امکانات در داخل و تحصیل منابع از خارج از طریق سازوکارهای دیپلماسی اقتصادی است. در این راستا، طراحی استراتژی و نقشه‌راه دیپلماسی اقتصادی برای کشور ضروری به نظر می‌رسد. استراتژی، ترجمان اهداف و منافع ملی کشورهاست. در این راستا، اهداف سیاست خارجی کشور می‌باید به‌صورت مشخص، هم‌مقوله‌بندی و هم‌رده‌بندی شوند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دو دسته اهداف را دنبال می‌کند:

۱ **اهداف محیطی انقلابی**، که در دستور کار بلندمدت سیاست خارجی کشور است و تاکنون نیز دستاوردهای مهمی برای کشور به همراه آورده است که از جمله آنها گسترش عمق استراتژیک کشور در نظام بین‌الملل است.

۲ **اهداف موضوعی اقتصادی**، که در دستور کار کوتاه‌مدت تا میان‌مدت سیاست خارجی کشور جای می‌گیرند.

در شرایط موجود کشور، اهدافی همچون «ارتقای وضعیت معیشتی، رفاه اقتصادی، توسعه ملی، تأمین نیازهای مردم، دسترسی آزادانه به سرمایه، کالا و بازار جهانی، صادرات و واردات کالاهای صنعتی و مواد اولیه راهبردی» به دلیل فوریت و جدیت در دستور کار کوتاه‌مدت تا میان‌مدت دیپلماسی قرار می‌گیرند. در صورتی که اهداف کلان به‌طور مشخص مقوله‌بندی و رده‌بندی شوند، سیاست خارجی کشور می‌تواند نقش بسیار مهمی در تبدیل رابطه اقتضائی ملاحظات سیاسی و اقتصادی به رابطه انطباقی در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی ایفاء کند.



ب) الزامات سیاستگذارانه

آنچه وجه اقتصادی سیاست خارجی را به شرایط بین‌المللی پیوند می‌دهد، جستجو برای دستیابی به منابع بین‌المللی توسعه است. در این راستا، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان حلقه پیوند «شرایط داخلی به مقتضیات بین‌المللی» یا «محیط داخلی به بین‌المللی» است و در واقع، استراتژی دولت‌ها در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی همانا تأمین منابع بین‌المللی توسعه از محیط خارجی است. در قالب دیپلماسی اقتصادی، روابط داخل با خارج باید به گونه‌ای تعریف و تنظیم شود که به اجرایی شدن اهداف راهبردی کمک نماید.

بدین سان، مطابق این الزام کلان:

۱ سیاست خارجی کشور باید بر پایه تقویت همکاری‌ها با بازیگران همسو باشد تا بتواند زمینه را برای فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی کشور فراهم نماید.

۲ جایگاه‌یابی ایران در نظام اقتصاد جهانی باید سمت‌وسو دهنده خط‌مشی‌های سیاست خارجی کشور باشد. در این چارچوب، دو اقدام در سیاست خارجی ضرورتی انکارناپذیر دارد:

■ اولاً دیپلماسی اقتصادی ایران باید جایگاه خود را در زنجیره ارزش جهانی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل مشخص کند. در این راستا، رصد تحولات جهانی نشان می‌دهد که یک زنجیره ارزش نوظهور آسیایی با محوریت چین در حال شکل‌گیری است. با توجه به سطح روابط تهران و پکن، به نظر می‌رسد که زمینه برای فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی ایران جهت مشارکت در زنجیره نوظهور ارزش آسیایی فراهم باشد. در واقع، این زنجیره یکی از کردورهای است که بستر مناسبی برای ایران فراهم می‌سازد تا عوامل اقتصادی مختلف را در امتداد جغرافیای خود به یکدیگر متصل سازد. از آنجا که ایران و چین «توافق‌نامه مشارکت جامع راهبردی» را به امضاء رسانده‌اند، می‌توان در چارچوب اهداف و طرح‌های مندرج در این توافق، پروژه‌ها و زیر پروژه‌هایی تعریف کرد که نه تنها برآورنده اهداف توسعه‌ای کشورمان باشد، بلکه بر حسب تأثیرات شبکه‌ای منطقه‌ای سایر کشورها را نیز منتفع و درگیر سازد. این مهم به معنای جانمایی ایران در کردور آسیایی است. کشورمان می‌تواند در چند زمینه اصلی (به شرح زیر) در کردور آسیایی حضور مؤثر داشته باشد و به «گره یا هاب استراتژیک»^۱ تبدیل شود:

الف) گسترش پیوندهای زیرساختی و بهینه‌سازی شبکه‌های ارتباطی: تقویت زیرساخت‌های ارتباطات ترانزیتی از طریق مدیریت طرح‌های حمل‌ونقل با تصدی وزارت راه و شهرسازی و هماهنگی با وزارت امور خارجه و بانک مرکزی؛

1. Strategic node or hub

ب) سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت داده بین‌المللی به‌منظور افزایش سهم ایران از بازار تبادل داده و ترانزیت داده بین‌المللی؛

ج) کاهش موانع تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه معطوف به سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری ایران، بهبود موازنه تجاری، همکاری‌های گمرکی و ایجاد مراکز تجاری خدمات‌محور با گستره عملکرد منطقه‌ای؛

د) گسترش همکاری در اتصال زیرساخت‌های انرژی از طریق جذب سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی و همچنین سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر؛

و) ارتقای همکاری‌های مالی، بانکی و بیمه‌ای از طریق استفاده از ارزهای ملی، ایجاد مکانیزم تسویه مالی - تجاری به‌منظور گسترش روابط تجاری، توافق‌های سوآپ پولی، تأمین مالی طرح‌های زیربنایی و مبادلات تجاری از طریق اعطای خطوط اعتباری، استفاده از صندوق جاده ابریشم، افزایش سهم و سرمایه ایران در بانک سرمایه‌گذاری توسعه زیرساخت آسیایی و ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ایران و چین؛
ه) ارتقای تعاملات فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های توریسم، دانشگاهی، رسانه‌ای با هدف کسب حمایت مردم در کشورهای واقع در کریدور از گسترش همکاری‌ها با ایران.

بنابراین، اتصال به زنجیره ارزش آسیایی چین محور بر محور هم‌بسته‌سازی مزیت‌های اقتصادی مختلف ایران، آن را به کنش‌گر اقتصادی غیرقابل جایگزین بدل می‌نماید، یکی از مهمترین الزامات راهبردی دیپلماسی اقتصادی تلقی می‌گردد.

■ **ثانیاً**، از آنجاکه محدودسازی اقتصاد کشور به یک زنجیره ارزش ممکن است آسیب‌پذیری‌هایی در پی داشته باشد، پیوستن به شبکه‌های به هم پیوسته منطقه‌ای در پیشبرد روابط اقتصادی خارجی ضروری به نظر می‌رسد.

اهمیت این سیاست چندسطحی از آن جهت است که در شرایط تحریم و دشواری مبادلات اقتصادی خارجی برای کشورمان، نقش و جایگاه ایران را در اقتصاد جهانی مشخص می‌کند و از تمرکز نقشه تجاری ایران بر تعداد معدود شرکا جلوگیری به عمل می‌آورد.

تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی، تجاری و سرمایه‌ای ایران و گسترش روابط اقتصادی دوجانبه و چندجانبه از طریق تدابیر ذیل امکان‌پذیر خواهد بود:

■ **اتخاذ سیاست‌های اقتصادی منطقه‌محور بر اساس نیازسنجی بازارهای هدف** به‌ویژه در محیط همجوار در چارچوب دیپلماسی همسایه‌محور، به‌منظور بهره‌گیری از بازارهای سرمایه‌پذیر و پرجمعیت همسایگان؛



■ سمت‌دهی سیاست‌خارجی ایران به‌سوی کشورها و مناطق استراتژیک دارای چشم‌انداز اثرگذار و اقتصاد تکمیل‌گر برای ایران مانند کشورهای شرق و جنوب‌شرق آسیا شامل اعضای آسه‌آن و چین و گسترش تعاملات و مبادلات با آنها؛

■ گسترش حضور و فعالیت نهادینه در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارای کارکرد اقتصادی مانند بهره‌برداری از موقعیت ایران به‌عنوان یکی از مؤسسان اصلی و از سهام‌داران عمده در بانک توسعه زیرساخت آسیایی، استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات موجود در پیمان مودت و همکاری در جنوب‌شرقی آسیا و بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیک ایران در فعال‌سازی سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) به‌ویژه در بخش ترانزیت و حمل‌ونقل.

ج) الزامات ساختاری

منظور از الزامات ساختاری دیپلماسی اقتصادی همانا فعال‌سازی تمامی ظرفیت‌ها برای ارتقای کیفیت تشکیلات بوروکراتیک عهده‌دار پیشبرد دیپلماسی اقتصادی است. در این چارچوب، اجرای تدابیر ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

1 حرفه‌ای‌سازی بوروکراسی دیپلماسی اقتصادی، که از طریق اقدامات ذیل تحقق می‌یابد:

الف) کادرسازی در حوزه بوروکراسی دیپلماسی اقتصادی متشکل از نمایندگان و رایزن‌های اقتصادی متخصص و مطلع از اقتصاد ایران و اقتصاد کشورهای هدف و مسلط به زبان رایج در کشور میزبان.

ب) تشکیل ارکان دارای کارویژه اقتصادی در دستگاه‌های دخیل در دیپلماسی اقتصادی از جمله وزارت صنعت، معدن تجارت، وزارت اقتصاد و دارایی، وزارت راه و شهرسازی و ادارات تابعه آنها و ایجاد هماهنگی با معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه.

2 انسجام‌یابی بوروکراسی دیپلماسی اقتصادی که از طریق اقدامات ذیل تحقق می‌یابد:

الف) تقسیم‌کار تخصصی براساس حوزه‌های موضوعی اقتصادی به‌ویژه در موضوع کریدورها میان دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌های مرتبط. تقسیم‌کار جاری روابط اقتصادی خارجی کشور که هر یک از کمیسیون‌های مشترک اقتصادی را به یک وزارت‌خانه سپرده است، در شرایطی که نظام بین‌الملل دوره گذار را طی می‌کند و درگیر تحولات ساختاری عظیمی است، وافی به مقاصد توسعه‌گرایانه کشور به نظر نمی‌رسد. تعیین‌یابی جایگاه ایران در این نظم متحول بیش از هر چیز نیازمند کنش‌گری یکپارچه و منسجم به‌دور از پراکندگی و ناسازگاری است. از این‌رو، تقسیم‌کار اقتصادی به شرحی که بیان شد، مستعد پراکنده‌سازی عملکرد اقتصادی دولت در محیط بین‌المللی خواهد بود. مدیریت تقسیم‌کار تخصصی به‌گونه‌ای که به کنش‌گری منسجم اقتصادی در سطح بین‌المللی بینجامد، نیازمند تصدیق آن

توسط یک مقام عالی‌رتبه سیاسی همانند شخص رئیس‌جمهور و یا یک نهاد راهبر توسعه است. تا نقش هماهنگ‌کنندگی نهادهای اقتصادی کشور در موضوع کريدورها را پیش ببرد.

ب) ارتباط منسجم میان سازمان‌های درگیر در عرصه اقتصاد سیاسی در قالب تنظیم و تصویب تفاهم‌نامه و قوانین مصوب،

ج) تأسیس نهادهای بین‌سازمانی به‌منظور هماهنگ‌سازی وزارتخانه‌های مختلف با سازمان توسعه تجارت، اتاق بازرگانی، کمیسیون‌های اقتصادی مشترک و تشکلهای اقتصادی و تجاری فعال در کشورهای هدف و بهره‌گیری از اطلاعات و شناخت میدانی آنها درباره صادرات و واردات کالا، ترانزیت، سرمایه‌گذاری به‌منظور ترسیم نقشه‌راه و هدف‌گذاری در آن کشورها.

۳۳ **قاعده‌مندسازی بوروکراسی دیپلماسی اقتصادی** که از طریق اقدامات ذیل تحقق می‌یابد:

الف) تدوین و توسعه قوانین مدون در نهادهای ذیربط به‌منظور رفع کاستی‌های موجود و انطباق با نیازهای جدید کشور.

ب) بازننگری و اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری خارجی با هدف زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی.

ج) بازننگری و اصلاح قوانین تجارت بین‌الملل با هدف افزایش صادرات و برقراری و حفظ موازنه تجاری کشور.

۳۴ **هم‌افزایی بوروکراسی دیپلماسی اقتصادی**، که مستلزم ایجاد پیوندهای نهادی و ساختاری مؤثر میان کارگزاران دولتی و فعالان بخش خصوصی، و اتخاذ تدابیری جهت مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و حضور در عرصه فعالیت‌های اقتصادی در ابعاد ملی و فراملی است و از طریق اقدامات ذیل تحقق می‌یابد:

الف) ارائه مشوق‌های لازم از جمله تخصیص وام کم‌بهره به کارآفرینان.

ب) فعال‌سازی نقش اقتصادی دولت در زمینه انتخاب کريدورهاى راهبردی و تخصیص منابع لازم برای عملیاتی‌سازی آنها، این امر مستلزم آن است که دولت کريدورهاى اقتصادی را از طریق سفارش‌گذاری کلان فعال کند و سپس با کمک بخش خصوصی، کريدورهاى ایجادشده را تجاری‌سازی نماید.

د) الزامات کارگزاری

الزامات کارگزاری، مجموعه تدابیر ذیل را در بر می‌گیرد:

۱ **ایجاد هم‌افزایی** میان شرح وظایف دیپلمات‌های سیاسی و مسئولیت‌های اقتصادی و اطمینان‌بخشی به آنها در حمایت قانونی وزارت امور خارجه و دولت از فعالیت‌های اقتصادی آنها در خارج



که از طریق اقدامات ذیل تحقق می‌یابد:

الف) تدوین یا توسعه نظام‌نامه شرح وظایف سفرا و دیپلمات‌های سیاسی (کل‌گرا) با هدف شناخت محیط اقتصادی کشور میزبان و بسترسازی برای فعالیت اقتصادی بخش خصوصی کشور؛
ب) زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی توسط دیپلمات‌های اقتصادی، تجاری و شرکتهای جهت همراه ساختن هیئت‌های اقتصادی در سفرهای خارجی مقامات و شخصیت‌های سیاسی،
ج) سنجش کارآیی دیپلمات‌های سیاسی براساس ابتکار عمل و سهم آنها در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی کشور در خارج.

۲) تصریح و تعیین جایگاه دیپلمات‌های اقتصادی در دستگاه سیاست خارجی کشور برای گسترش نفوذ در بازارهای جهانی که از طریق اقدامات ذیل تحقق می‌یابد::

الف) تدوین نظام‌نامه و شرح وظایف دیپلمات‌های اقتصادی؛
ب) تربیت دیپلمات‌ها و سفراي اقتصادی در زمینه‌های علمی و کاربردی از جمله با راه‌اندازی رشته دانشگاهی میان‌رشته‌ای (تلفیق اقتصاد و روابط بین‌الملل با محوریت دیپلماسی اقتصادی) و تربیت نیروی متخصص مورد نیاز،

ج) کارآمدسازی بخش اقتصادی سفارت‌خانه‌های ایران در دیگر کشورها؛

د) به‌کارگیری رایزنان اقتصادی کاردان و آشنا به آخرین تحولات و تعاملات بین‌المللی،

ه) جلب و جذب نخبگان اقتصادی و بهره‌گیری از دانش و تجربه اقتصادی آنها

و) ارتقای توانمندی‌های رایزنان اقتصادی در جهت توسعه صادرات و رشد تولید؛

هـ) الزامات پارلمانی

الزامات پارلمانی، مجموعه تدابیری است که در قوه مقننه انجام می‌گیرد و می‌توان آنها را در دو دسته جای داد:

۱) الزامات تقنینی

در شرایطی که کشور با چالش‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی ظالمانه و محدودیت‌های تأمین نیازهای معیشتی و رفاهی جامعه دست‌وپنجه نرم می‌کند، ارائه طرحی به‌منظور «**ملزم‌سازی دولت به کاربست دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی**» و تبدیل آن به قانون، آشکارا ضرورت می‌یابد، چراکه می‌تواند نقش مهمی در نیل به اهداف اقتصادی مندرج در اسناد بالادستی کشور ایفاء نماید. از آنجا که تأمین نیازهای اقتصادی کشور فوریت و جدیت فزاینده‌ای یافته است، در زمره اهداف کوتاه‌مدت تا میان‌مدت

۱. یک دیپلمات اقتصادی کل‌گرا یا عمومی، دیپلماتی حرفه‌ای است که به‌صورت موردی و در کنار سایر وظایف دیپلماتیک خود به امور مربوط به پشتیبانی

اقتصادی و تجاری نیز می‌پردازد. این‌گونه دیپلمات‌ها ارتباطات خوبی به‌ویژه در سطح سفیران برقرار و اقدامات مربوط به دیپلماسی اقتصادی و تجاری را در چارچوب وسیع‌تر دیپلماسی ملی انجام می‌دهند (به نقل از دامن پاک، مرتضی، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

جای می‌گیرد؛ از سوی دیگر، تأمین بخش مهمی از این نیازها نیز از طریق جذب منابع خارجی امکان‌پذیر است. از این رو، دستگاه سیاست‌خارجی رسالت خطیری در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی برعهده دارد. طرح پیشنهادی با درک این ضرورت، می‌تواند دولت و وزارت امور خارجه به‌ویژه «معاونت دیپلماسی اقتصادی» این وزارتخانه را به اجرای دیپلماسی اقتصادی در سیاست‌خارجی و انجام وظایف اقتصادی ملزم سازد.

در این چارچوب، محتوای طرح ملزم‌سازی دولت به کاربست دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی ناظر بر تحقق اهداف اقتصادی مندرج در اسناد بالادستی کشور و اشاره صریح به مضامین آنها خواهد بود؛ افزون بر این، لازم است طراحی نقشه تجاری کشور با هدف افزایش صادرات و متوازن‌سازی واردات، کاهش کسری تراز تجاری کشور و گسترش حضور در بازارهای فراملی اعم از منطقه‌ای و جهان، را نیز مدنظر قرار دهد. در این چارچوب، براساس ارزیابی واقع‌بینانه و عملی از ظرفیت‌های ایران در تنوع‌بخشی به شرکای تجاری خود در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، پرشمارسازی اقلام صادراتی، امکان وضع مقرراتی جهت مانع‌زدایی از تولید و کسب و کار ثروت‌آفرین و رفع محدودیت‌های داخلی و خارجی فراهم می‌گردد. در نهایت، دولت ملزم به اجرای این مقررات و اعلام گزارش دوره‌ای به مجلس از اقدامات خود و نتایج حاصله خواهد شد.

در این راستا، پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت، فوریت و جدیت اهداف اقتصادی و در راستای مواد ۹ و ۱۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، به‌موجب طرح ملزم‌سازی دولت به کاربست دیپلماسی اقتصادی در سیاست‌خارجی، وزارت امور خارجه ملزم گردد که:

الف) نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را به منابع انسانی کارآمد با تخصص‌های اقتصادی، تجاری مجهز کند؛

ب) نمایندگی‌ها را موظف به گردآوری اطلاعات درباره فرصت‌های صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی دسترسی فعالان اقتصادی دولتی و غیردولتی به بازارهای خارجی، مشورت‌دهی به شرکت‌های داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری دوسویه و گسترش دادوستدهای تجاری در سطح بین‌المللی به‌ویژه در کشورهای میزبان کند.

طرح باید متضمن مقررات تحریم‌ستیز و خنثی‌سازی آثار تحریم‌های ظالمانه و استفاده از تمامی ظرفیت‌های بین‌المللی نیز باشد. پیشنهاد می‌شود که این طرح، دولت را موظف به اتخاذ دو اقدام مهم به‌منظور تسریع عملکرد دیپلماسی اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور سازد؛ این دو اقدام عبارتند از:

الف) ایجاد پیوندهای سیاسی، اقتصادی با کشورهای مختلف: این تدبیر می‌تواند همراهی آنها با سیاست‌های تحریمی را پرهزینه سازد و در نهایت، در برابر تحریم‌ها بازدارندگی ایجاد کند؛

ب) به‌کارگیری راهکارهای نهادی ضد تحریم: حضور مؤثرتر در نهادهای بین‌المللی سیاسی و



اقتصادی خارج از سلطه غرب نظیر بانک توسعه زیرساخت آسیایی می‌تواند در پیشبرد این تدبیر موثر افتد؛ علاوه بر این، ایران باید رایزنی‌ها و مذاکراتی را با کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور مانند چین برای راه‌اندازی بانک‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انجام دهد تا بتواند معاملات و مبادلات خود را با ارز ملی کشورهای متعامل انجام دهد و مشکلات مربوط به تراکنش‌های مالی و بانکی را نیز حل نماید. البته، در تمامی موارد فوق، دولت ملزم به ارائه گزارش درباره نحوه عملکرد خود به مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

۲ الزامات نظارتی

نظارت مجلس شورای اسلامی بر اجرای وظایف و مأموریت‌های اقتصادی وزارت امور خارجه (به‌ویژه براساس مواد ۹ و ۱۰ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و آیین‌نامه اجرایی ماده ۹ این قانون) شامل موارد ذیل خواهد بود:

الف) نظارت بر عملکرد نمایندگی‌ها در حوزه‌های اولویت‌دار شامل معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری ایران در کشورهای هدف و اطلاع‌رسانی در خصوص برگزاری رویدادهای اقتصادی مهم در این کشورها؛ تسهیل و زمینه‌سازی برای اعزام هیئت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری خارجی به کشور و پذیرش هیئت‌های اقتصادی و تجاری ایرانی در کشورهای هدف؛ بازاریابی برای سرمایه‌گذاران و تجار ایرانی در کشورهای هدف از طریق شناسایی و برقراری ارتباط با شرکت‌های سرمایه‌فرست، بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباردهنده و شرکت‌های تجاری در این کشورها؛ شناسایی و معرفی نیازها و اولویت‌های وارداتی بازار کشورهای هدف و تسهیل صدور خدمات فنی و مهندسی و محصولات تولیدکنندگان ایرانی به این بازارها؛ ارسال گزارش درباره نحوه ورود به بازارهای هدف به دستگاه‌های اجرایی؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های فنی، مالی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در فعالیتهای اقتصادی داخل کشور از طریق حمایت کنسولی؛ تسهیل ساماندهی اعزام نیروی کار به خارج از کشور با هماهنگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

ب) نظارت بر عملکرد وزارت امور خارجه در اعزام مأمورانی با تخصص‌ها و صلاحیت‌های مرتبط از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط به کشورهای هدف شامل دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری متخصص در پایش و گزارش سیاست‌های اقتصادی کشورهای میزبان؛ گردآوری اطلاعات درباره فرصت‌های صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری و حل‌وفصل کشمکش منافع بین شرکت‌های ایرانی و خارجی؛ تسهیل دسترسی شرکت‌ها و بازیگران اقتصادی دولتی و غیردولتی به بازارهای خارجی و کمک به توسعه روابط اقتصادی-تجاری از راه مشورت‌دهی به شرکت‌های داخلی و خارجی جهت سرمایه‌گذاری دوسویه و گسترش دادوستدهای تجاری در سطح بین‌المللی. مهمترین الزامات دیپلمات‌های متخصص در حوزه اقتصاد و تجارت در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول ۱: الزامات کلیدی معاصر برای دیپلمات‌های اقتصادی و تجاری

مکتب تجارت آموزش	آموزش در آکادمی‌های تجارت	صلاحیت‌های مورد نیاز دیپلماتیک
مدیریت مرکزی	تاریخ دیپلماسی	- دانش نسبت به ابزارهای دیپلماتیک - توانمندی برای نفوذ در فرایند دیپلماتیک
مدیریت استراتژیک	معاهده‌سازی	- دانش تجارت بین‌الملل مطابق استانداردهای حقوقی - توانمندی برای نفوذ در تنظیم استانداردها در سازمان‌های مهم بین‌المللی
حسابداری مدیریتی	حقوق بین‌الملل	- دانش نسبت به کارکرد حقوق بین‌الملل و محاکم بین‌المللی - گزارش شرکتی به ذی‌سهمان
مدیریت مالی	اقتصاد بین‌الملل	- دانش نسبت به تاریخ و منطق نظریه‌ها و رویه‌های اقتصادی غیرامریکایی - دانش نفوذ در نهادهای مالی بین‌المللی
مدیریت منابع انسانی	سازمان‌های بین‌المللی و فراملی	- دانش نسبت به ساختار و فرایند تصمیم‌گیری در سازمان‌های فراملی - توانمندی برای نفوذ در سازمان‌های فراملی از طریق ابزارهای مستقیم یا غیرمستقیم
بازاریابی	مطالعات منطقه‌ای و کشوری	- دانش نسبت به تعامل بین اقتصاد، سیاست و فرهنگ در مناطق و کشورها - توانمندی برای تجزیه و تحلیل ریسک سیاسی در ارتباط با پروژه‌های سرمایه‌گذاری
مدیریت عملیات	اداره نمایندگی‌ها، سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌ها	- دانش نسبت به سازوکارهای مدیریت بحران‌های بین‌المللی و نقش همراهی با دولت و دیپلماسی - توانمندی برای مداخله از طرف شرکت
مدیریت اطلاعات	تعامل با رسانه‌ها	- توانایی سخنرانی عمومی و مصاحبه با رسانه‌ها و کنفرانس مطبوعاتی - توانایی مدیریت یک سیستم اطلاعاتی دیپلماسی تجاری با برنامه‌ریزی استراتژیک در ارتباط با مدیریت سهام
رفتار سازمانی و تغییر	مهارت‌های مذاکره (دوجانبه، چندجانبه و همه‌جانبه)	- اعمال مدیریت و نفوذ در مذاکرات بین‌المللی (دوجانبه، چندجانبه و همه‌جانبه)
روش‌های کمی	رفتار و تشریفات دیپلماتیک در تاریخ معاصر	- اعمال رویه‌ها و تشریفات دیپلماتیک - توانایی به‌کارگیری ابزارهای تحلیلی، مانند تحلیل بازار سهام، سناریوسازی

Source: Saner, Raymond and Lichi Yiu (2001), p. 32.



ج) نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی و دیپلماسی اقتصادی همانند وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ وزارت راه و شهرسازی؛ سازمان توسعه تجارت و وزارت نیرو در اعلام سالیانهٔ اولویت‌های خود به وزارت امور خارجه در حوزه‌های تولیدات مشارکتی، جذب سرمایه، جذب گردشگر، صدور کالا و خدمات فنی و مهندسی و همچنین بازار کار به‌منظور هماهنگی مستمر و استفاده از ظرفیت‌های روابط خارجی در کشورهای هدف؛

د) نظارت بر راه‌اندازی و عملکرد بانک اطلاعات اقتصادی در وزارت امور خارجه و همکاری نمایندگی‌ها، دستگاه‌های اجرایی و اتاق‌ها جهت متمرکزسازی اطلاعات درباره قوانین و مقررات اقتصادی، تجاری، خدمات فنی و مهندسی و گردشگری در ارتباط با کشورهای مختلف و اطلاعات مربوط به تجار، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی و خارجی و ایرانیان مقیم خارج از کشور.

نتیجه‌گیری



بررسی فرایند سیاست خارجی دولت‌های مختلف در ایران در سال‌های گذشته از جایگاه حاشیه‌ای و اقتضائی دیپلماسی اقتصادی حکایت دارد؛ به این معنا که به «اقتضای» تنگنای اقتصادی، اقتصاد به صحنه آمده و روابط خارجی را به سمت عمل‌گرایی مقطعی و تاکتیکی سوق داده است. ناگفته پیداست که در رویکرد اقتضائی، اقتصاد در شرایط خاص و دشوار حائز اهمیت می‌گردد. ریشه جایگاه اقتضائی اقتصاد در روابط خارجی ایران را می‌توان از یک سو در نوع رویکرد منطقه‌ای و بین‌المللی به کشورمان جستجو کرد. دشمنان ایران از هویت الهام بخش کشور و استقلال آن در منطقه و جهان احساس خطر می‌کنند و بر این اساس روند امنیتی‌سازی ایران و پروژه ایران‌هراسی را در دستور کار خود قرار داده‌اند تا روند توسعه و تعاملات اقتصادی ایران را متوقف سازند. از سویی دیگر، ضعف دیپلماسی اقتصادی را می‌توان نتیجه عدم اهتمام جدی به این موضوع از سوی برخی دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌مدخل در این عرصه ارزیابی کرد. این در حالی است که مقام معظم رهبری از مدت‌ها پیش بر این مهم تأکید نهاده‌اند و ضرورت بازآرایی دیپلماسی کشور در راستای ارتقای جایگاه اقتصادی ایران اسلامی در منطقه، جهان اسلام و نظام بین‌الملل را به مسئولان گوشزد کرده‌اند؛ جلوه بارز این تأکیدات را می‌توان در اسناد بالادستی نظام آشکارا مشاهده کرد.

با وجود این دلالت‌های اعلامی و نهادی، اما هیچ‌گاه نقشه‌راهی برای انعکاس ملاحظات اقتصادی در سیاست خارجی کشور تدوین نشده است. این بدان معناست که در حوزه اعلامی و نهادی بر انطباق اهداف اقتصادی و سیاسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌گردد، اما در حوزه اعمالی، دیپلماسی اقتصادی به طور جدی در دستور کار قرار نمی‌گیرد. این در حالی است که ضرورت‌های

سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بر لزوم تقویت دیپلماسی اقتصادی دلالت دارند.

مهم‌ترین و مؤثرترین راهبردهای جبرانی برای ایجاد گشایش در اقتصاد سیاسی سیاست خارجی کشور و نیل به رابطه انطباقی آن است که:

نخست، راهبردی اتخاذ گردد که متناسب با ارزش‌های سیاسی و نیز ضرورت‌های اقتصادی، ظرفیت چانه‌زنی دولت در عرصه بین‌المللی را ارتقاء بخشد و با تأکید بر توسعه اقتصادی زمینه و بسترهای لازم را برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی در داخل و خارج فراهم سازد. در این شرایط، هم‌نشینی اهداف اقتصادی و سیاسی در سیاست خارجی کشور بر مبنای رابطه انطباقی حاصل می‌گردد.

دوم، به دیپلماسی اقتصادی در قوه مجریه محوریت داده شود و اقتصادمحوری به‌عنوان یکی از ارکان روابط خارجی کشور برگزیده شود. راهکارهای مترتب بر الزامات بلندمدت از تناسب لازم با فوریت نیازهای اقتصادی کنونی در کشور برخوردار نمی‌باشد، چراکه دستاوردهای آن مشمول مرور زمان خواهد بود. این در حالیست که مدیریت مسائل اقتصادی کشور در وضعیت فعلی را نمی‌توان معطل زمان کرد. بنابراین، راهکارهای ناظر بر الزامات میان‌مدت و کوتاه‌مدت اقتصادی از فوریت بیشتری برخوردارند، زیرا عواید آن در بازه زمانی کوتاه‌تر به تناسب شرایط موجود قابل حصول به نظر می‌رسد. البته این راهکار نافی بر نامرئی‌های بلندمدت و استراتژیک در حوزه اقتصادی سیاست خارجی کشور نمی‌باشد.

منابع و مأخذ



۱. اسلامیان، مجتبی و رحمان حبیبی (تابستان ۱۳۹۹) «اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۲
۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵) کلیات روابط بین‌الملل، تهران: مخاطب
۳. سلیمانی پورلک، فاطمه (بهار و تابستان ۱۳۹۸) «نسبت‌سنجی کارکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطابق اهداف توسعه‌گرایانه سند چشم‌انداز ۱۴۰۱ و الزامات ناظر بر آن»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره دوم شماره اول

4. Baranay, Pavol (2009) "Modern Economic Diplomacy", in: http://www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf

5. Bayen, Nicholas and Stephen Woolcock (2011) *The New Economic Diplomacy; Decision-making and Negotiation in International Economic Relations*, Hampshire: Ashgate

6. Heydari, Mohammad & sohrabAlalmdari (Winter-Spring 2012) "The 7. Riddle of Economic Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", *International Journal of Political Science*, Vol.2, No.3

Leftwich, Adrian, and Steve Hogg. (2007). "The case for leadership and the primacy of politics in building effective states, institutions and governance for sustainable growth and social development", Back-



ground Paper 01, Developmental Leadership Program in: www.dlprog.org

8. Okano-Hejamans, Maaik (2011) Conceptualizing economic diplomacy: cross roads of international Relations, Economics, IPE and Diplomatic studies, The Hague journal of diplomacy, in: https://www.researchgate.net/publication/233659639_Conceptualizing_Economic_DiplomacyThe_Crossroads_of_International_Relations_Economics_IPE_and_Diplomatic_Studies

9. Organization for Economic Cooperation and Development (2009) in: http://www.oecd.org/document/10/0,3343,en_2649_201185_1876938_1_1_1_1,00.html [Accessed 15 December 2009]

10. Ploae, Catalin (2010) "Recent Trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area", in: <http://idec.gr/iier/new/3rd%20Panhellenic%20Conference.pdf>

11. Saner, Raymond and Lichi Yiu (2001) "International Economic Diplomacy: Mutations in Post- Modern Times", Netherland Institute of International Relations "Clingendael", in: http://www.clingendael.nl/sites/default/files/20030100_cli_paper_dip_issue84.pdf

12. Sklias, Pantelis, Roukanas, Spyros, Pistikou, Victoria (2012) "China's Economic Diplomacy: A Comparative Approach to Sino- Greek and Sino- Turkish Relations", International Journal of Business and Social Science, Vol. 3, No. 10

13. Spohr, Alexandre P. (2107) "Foreign Policy's Role in Promoting Development: the Brazilian and Turkish Cases", in: [http:// http://www.scielo.br/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0102-85292017000100157](http://http://www.scielo.br/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0102-85292017000100157)



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی بازارک نیاوران (ضلع جنوبی، بلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۲۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ سیستم الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir